

حساب و کتاب حق پخش؛ چالش بعدی



محمدحسین سلطانی
صربکار گروه فرهنگ

«مجلس مهم‌ترین منبع درآمد پایدار باشگاه‌ها یعنی حق پخش مسابقات ورزشی را به رسمیت شناخت. پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، هر نهادی از جمله صداوسیما و... باید با باشگاه‌ها برای خرید این حق مالی توافق کند.» این توثیقی است که رئیس مجلس در ۱۶ شهریور ماه منتشر کرد. ماجرای حق پخش اولین بار نیست که متن اصلی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها می‌شود. همه قضیه مربوط است به ماده ۱۷ لایحه جامع باشگاه‌داری. لایحه‌ای که می‌گوید باشگاه‌ها ذی‌نفعان اصلی کلیه حقوقی هستند که ناشی از برگزاری مسابقات و دیگر رویدادهای رسمی باشگاهی می‌باشد. این حقوق شامل هرنوع منافع مالی و معنوی، سمعی و بصری، ضبط رادیویی، حقوق تولید و پخش تلویزیون، حقوق چندرسانه‌ای، بهره‌برداری از نشان (آرم)‌ها می‌باشند و متقاضیان بهره‌برداری از اینس حقوق باید با صاحبان آن توافق نمایند. یزدی‌خواه، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس به «فرهیختگان» می‌گوید هنوز هیچ چیزی در ماجرای حق پخش

معلوم نیست و باید منتظر بمانیم و ببینیم شورای نگهبان چه تصمیمی می‌گیرد. با این همه شورای نگهبان، تصمیمش را قطعی نکرده و حتی اگر همه چیز به تصویب شورا هم برسد، باز هم ماجرا سرانجامی پیدا نمی‌کند. سال ۱۳۹۸ اعضای کمیسیون تلفیق در مصوبه خود دولت را مکلف کردند تا درآمدهای حاصل از پخش مسابقات ورزشی را بین سازمان صداوسیما و وزارت ورزش و جوانان سهم هر دستگاه ۵۰ درصد تقسیم کند. حالا سوال جدی این است که آیا قرارداد جدیدی شکل خواهد گرفت یا همان ماجرای ۵۰ درصد تکرار خواهد شد. حدود یک سال و نیم قبل پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما درباره ماجرای حق پخش می‌گوید: «حرف ما این است که به همان شکل که حق پخش بازی‌های خارجی را ما پرداخت می‌کنیم و در بودجه دولت محترم و مجلس لحاظ می‌شود، به همان نحو باید حق پخش که برای برنامه‌های ورزشی داخلی تعیین می‌شود، در ردیف‌های بودجه ما گذاشته شود تا بتوانیم با هماهنگی وزارت ورزش به فدراسیون‌ها اختصاص دهیم.» حالا ماجرا اینجاست با قانون جدید مجلس ماجرا وارد چه چهارچوبی می‌شود و خلاصه ماجرا این است؛ پول‌ها چطور و به جیب چه کسی خواهد رفت.

ماجرای حق پخش از کجا شروع شد؟

ماجرای کشمکش حق پخش میان صداوسیما و ورزش سال‌هاست که با گرفته و پس از تغییرات مدیریتی در باشگاه مدتی این ماجرا در میان رسانه‌ها کنار گذاشته شده بود اما با مطرح شدن دوباره درآمد سازمان از مسابقات فوتبال درگیری میان فوتبال و وزارت ورزش شدت گرفت. از طرفی برخی از آمارها از درآمد ۲ همت و بیشتر صحبت می‌کردند و بنا بر برآورد «فرهیختگان»، صداوسیما بر اساس داده‌های اداره کل بازرگانی و البته احتساب تورم و تخفیف ۹۰ درصدی سازمان، بیش از ۲۵۰ میلیارد تومان از تورنمنت کافا درآمد کسب کرده است. همه این اتفاقات باز هم ماجرای حق پخش تلویزیونی را داغ کرده و همه ماجرا از اول طرح شده است.

۵۰۰ میلیارد برای همه یا فقط برای فوتبال

آنچه رئیس مجلس گفته ماجرای حق پخش را تنها به فوتبال محدود نکرده و تمام حوزه‌ها را مدنظر قرار داده و از لفظ حق پخش مسابقات ورزشی صحبت به میان آمده است. با این حال، احسان قاضی‌زاده هاشمی، آنچه از قانون و حق پخش می‌گوید تنها مربوط به باشگاه‌های فوتبال است. قاضی‌زاده در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان می‌گوید: «سازمان برنامه و بودجه مکلف شده است، با همکاری سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بودجه‌ای مستقل برای پرداخت حق پخش به باشگاه‌ها در نظر بگیرد. امسال در لایحه بودجه صداوسیما ۵۰۰ میلیارد تومان به عنوان حق پخش پیش‌بینی شده که باید بین باشگاه‌ها توزیع شود.» قاضی‌زاده می‌گوید ۵۰۰ میلیارد باید بین باشگاه‌های فوتبال توزیع شود و بنا بر قانون بودجه ۱۴۰۴ این رقم در ردیف بودجه دیده شده و پرداختش لازم‌الاجراست. قاضی‌زاده می‌گوید: «قانونگذار برای هر مسابقه، میزان درآمد آن از تبلیغات و پخش تلویزیونی را بررسی می‌کند و سهم هر باشگاه را بر اساس آن تعیین می‌کند. به این ترتیب، باشگاهی که درآمد بیشتری از تبلیغات و پخش دارد، سهم بیشتری نیز خواهد داشت.» حتی اگر بخواهیم حق پخش ۵۰۰ میلیاردی را فقط مختص فوتبال بدانیم و حق پخش باقی مسابقات ورزشی و مسابقات ملی در فوتبال و باقی رشته‌های ورزشی را در نظر بگیریم، اوضاع باز هم بسیار پیچیده است. اگر این عدد ۵۰۰ میلیاردی را حتی مختص به تمام بازی‌های لیگ ندانیم و گفته قاضی‌زاده هاشمی مبنی بر تخصیص این عدد به کلیه باشگاه را از دایره دیدمان خارج کنیم و فقط این عدد را مختص به دو باشگاه تهرانی استقلال و پرسپولیس بدانیم باز هم اعداد و ارقام با درآمدهای صداوسیما از حق پخش نمی‌خواند. بنابر برآوردهایی که از داده‌های اداره

کل بازرگانی سازمان صداوسیما مبنی بر تعرفه تبلیغات در سال ۱۴۰۲ منتشر شده و با احتساب تورم ۳۰ درصدی از سال ۱۴۰۲ به ۱۴۰۳ و تورم ۳۶ درصدی از ۱۴۰۳ به ۱۴۰۴، اعداد و ارقامی که از درآمد صداوسیما تنها برای بازی‌های استقلال و پرسپولیس استخراج می‌شود، تفاوتی چشمگیر روشن می‌شود.

تعرفه هر ثانیه تبلیغ در صداوسیما ۴۲۵،۱۱۴،۶۲۵ در سال ۱۴۰۳ است و این تعرفه در سال ۱۴۰۴ با احتساب تورم به حدود ۵۷۸،۱۵۵،۸۹۰ می‌رسد. اگر میزان تبلیغات تلویزیون در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴ را ۱۱۹ هزار ثانیه در نظر بگیریم (میزان تبلیغات در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۳، ۱۳۷ هزار ثانیه بوده که با توجه به عدم حضور پرسپولیس در بازی‌های آسیایی پرسپولیس و استقلال ۱۰ بازی کمتر دارند)، بنا بر تعرفه ۱۴۰۳ درآمد صداوسیما تنها از بازی استقلال و پرسپولیس ۵۰،۵۸۸،۶۴۰،۳۷۵،۰۰۰ است و بنا بر تعرفه ۱۴۰۴، این عدد به ۶۸،۸۰۰،۵۵۰،۹۱۰،۰۰۰ می‌رسد. این عددهای ۵۰ همت و ۶۸ همتی را مقایسه کنید با عدد ۵۰۰ میلیاردی که مجلس در بودجه در نظر گرفته است. عددی که تفاوتی فاحش و ۱۰۰ برابری دارد. با این حال اداره کل بازرگانی صداوسیما می‌گوید، تخفیفی ۷۵ تا ۹۰ درصدی برای تبلیغات در نظر گرفته است. با توجه به بالاترین میزان تخفیف‌ها و همان عدد ۹۰ درصدی باز هم تفاوتی در اصل موضوع و تعارض میان عدد مجلس و صداوسیما ندارد. حتی اگر همان عدد ۹۰ درصدی را در نظر بگیریم درآمد صداوسیما به ۵۰،۵۸۸،۶۴۰،۳۷۵،۰۰۰ با تعرفه ۱۴۰۳ و ۶۸،۸۰۰،۵۵۰،۹۱۰،۰۰۰ با تعرفه ۱۴۰۴ می‌رسد. این یعنی تفاوتی ۱۴ برابری میان عدد اعلامی مجلس برای حق پخش با عددی درآمد واقعی صداوسیما از بازی‌های استقلال و پرسپولیس.

سهم ۵۰-۵۰ یا ۷ درصدی!

آن‌طور که توافقات قبلی نشان می‌داد قرار بود درآمدی که میان صداوسیما و تلویزیون قرار است توزیع شود، ۵۰-۵۰ تقسیم شود اما حالا و با توجه به اعداد و ارقام جدید و مسئله تخفیف ۹۰ درصدی، نشان می‌دهد آن ۵۰۰ میلیارد تنها ۷ درصد از آن رقم ۶٫۸ همت است و این یعنی ۹۳ درصد از درآمد به تلویزیون می‌رسد و تنها ۷ سهم باشگاه‌ها می‌شود. با این حال عدد و رقم‌های ۷ و ۹۳ درصدی تنها بخشی از مشکلی است که برآوردهای مجلس نسبت به حق بخش دارد. در بخشی دیگر از ماده ۱۷ لایحه جامع باشگاه‌داری تاکید بر گرفتن حق پخش از تمام پستهای رسانه‌ای

حل این تعارض‌ها به عمر ما قد می‌دهد؟

با توجه به صحبت‌های یزدی‌خواه مبنی بر طولانی بودن این فرایند و معلوم نبودن نتیجه آن به نظر می‌رسد حل شدن مسئله درآمد صداوسیما و ساترا، فقط در موضوع درآمد استقلال و پرسپولیس به این سادگی‌ها حل نخواهد شد و صداوسیما برای حل شدن مسئله باید چند سالی صبر کنند. واقعیت این است که عدد ۵۰۰ میلیاردی عدد واقعی حق پخش در نمایش

شده و قاضی‌زاده هاشمی در مصاحبه خود می‌گوید پلنفرم‌ها که بازی‌های تیم‌ها را پخش می‌کنند باید حق پخش پرداخت کنند که این موضوع یک تعارض جدی قانونی با چهارچوب ترسیمی صداوسیما و ساترا دارد. در قوانین ساترا آمده است پخش زنده تنها مربوط به صداوسیما است و هیچ سازمان دیگری حق پخش زنده مسابقات فوتبال را ندارد. این یعنی یک تعارض قانونی میان نگاه مجلس و قوانین داخلی صداوسیما. این درحالی است که اگر بنا بود عدد ۵۰ درصدی به باشگاه‌ها برسد، رقمی ۳/۴ همتی به آن‌ها می‌رسید.

خانگی نیست و اگر بخواهیم به سمت اعداد و ارقام واقعی برویم باید از لفظ همت استفاده کنیم و نه میلیارد تومان. با تمام این تفاسیر همچنان مسئله حق پخش باقی است و به نظر می‌رسد، مجلس، وزارت ورزش و صداوسیما باید زمان مفصل‌تری برای این موضوع داشته باشد، زمانی که در نهایت به عدالت بینجامد.

درآمد حداکثری تلویزیون از بازی‌های پخش زنده استقلال و پرسپولیس در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴

مجموع بازی‌ها	حداقل ۶۶ بازی (۶ بازی در لیگ قهرمانان آسیا+ ۵۸ بازی در لیگ برتر + ۲ بازی در حذفی -حداقلی-)
مجموعه ثانیه‌های تبلیغات براساس برآورد سال ۱۴۰۳	۱۱۹ هزار ثانیه
تعرفه پخش زنده فوتبال داخلی در سال ۱۴۰۳	۴۲۵،۱۱۴،۶۲۵
تعرفه پخش زنده فوتبال داخلی در سال با افزایش ۳۶درصدی تورم ۱۴۰۴	۵۷۸،۱۵۵،۸۹۰
مجموع درآمدها با توجه به تعرفه و تورم ۱۴۰۳	۵۰،۵۸۸،۶۴۰،۳۷۵،۰۰۰
مجموع درآمد‌ها با توجه به تعرفه و تورم ۳۶درصدی در سال ۱۴۰۴	۶۸،۸۰۰،۵۵۰،۹۱۰،۰۰۰

درآمد حداقلی تلویزیون از بازی‌های پخش زنده استقلال و پرسپولیس با احتساب تخفیف ۹۰درصدی در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴

مجموع بازی‌ها	حداقل ۶۶ بازی (۶بازی در لیگ قهرمانان آسیا+ ۵۸ بازی در لیگ برتر + ۲ بازی در حذفی -حداقلی-)
مجموعه ثانیه‌های تبلیغات براساس برآورد سال ۱۴۰۳	۱۱۹ هزار ثانیه
تعرفه پخش زنده فوتبال داخلی در سال ۱۴۰۳	۴۲۵،۱۱۴،۶۲۵
تعرفه پخش زنده فوتبال داخلی در سال با افزایش۳۶درصدی تورم ۱۴۰۴	۵۷۸،۱۵۵،۸۹۰
مجموع درآمد‌ها با توجه به تعرفه و تورم ۱۴۰۳	۵۰،۵۸۸،۶۴۰،۳۷۵،۰۰۰
مجموع درآمد‌ها با توجه به تعرفه و تورم ۳۶درصدی در سال ۱۴۰۴	۶۸،۸۸۰،۵۵۰،۹۱۰،۰۰۰

۲. مهم‌ترین نکته‌ای که طی رسالت خود به آن تاکید داشت و عمل می‌کرد، گفت‌وگو و سخن با هر انسانی به اندازهٔ عقل او بود و این مسئله را معصومان(ع) و علمایی همچون ملاصدرا، تاکید کردند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل انتشار سریع اسلام و تسخیر قلوب انسان‌ها، همین ویژگی فرستادهٔ بزرگ خداست که همدلی و تعامل را در کنار منطق و هم‌زبانی با مردم به عینه اجرا کرده است.

۳. در میان بزرگ‌زادگان و اشراف زمان جاهلیت حتی فرزندان هاشم و عبدالمطلب، زهد و ساده‌زیستی مسئلهٔ غریبی بود اما پیامبر از همان ابتدا مصرا نه به آن عمل می‌کرد تا تجمل، تفاخر، اشرافیت و پرده‌داری که موجب عدم عدالت و زیر پا گذاشتن انسانیت می‌شد را مذمت کند. حیا و متانت، دیگر سنت نبی اکرم(ص) بود که از ابتدای کودکی به آن توجه داشت و شاید بتوان گفت بسیار بیش از اطرافیان به آن عمل می‌کرد. ۴. معروف است که ایشان فوق‌العاده به عطر علاقه‌مند بودند و حتی نصف درآمد خود را صرف تهیهٔ آن می‌کردند. نفاقت، طهارت و بوی خوش، ویژگی‌هایی است که باز هم حضرت را از طفولیت، از مابقی

موجب محبوبیتش می‌شود؛ چراکه اخلاقیات عظیم ایشان، یادآور فطرت بشر بود؛ میل به خوبی و نیکی و گذار از شرّ و بدسگالی. هریک از پیغامبران الهی، مصلح گم‌شده‌ای از جامعهٔ خود بودند و به‌راستی بزرگ‌ترین دستاورد پیامبر پیش از معجزهٔ کتاب، «اخلاق و انسانیت» بود؛ گنجی که در جزیره‌العرب آن روزگار، چیزی از آن یافت نمی‌شد و تمام دست‌انورد‌های الهی حبیب خدا برای بشریت، از همین دوکلمه تمدن‌ساز نشئت گرفت که گمان می‌برم تدبیر دوباره در مهم‌ترین آن‌ها، برای امروز ما و همیشه لازم است.

۱. مهم‌ترین وظیفهٔ رسول‌الله(ص) پس از نبوت، تشکیل حکومت بر مبنای اسلام و تدوین مدنیت جامعهٔ مسلمانان بود. کاری که تا پیش از

این توسط هیچ‌یک از انبیاء و اولیا در تاریخ رخ نداده بود و با خاتمیت

آنان، به‌عنوان مترقی‌ترین سنت اجتماعی خداوند، بنیان گذاشته شد.

سنتی که با تعریف مفاهیمی همچون مشورت، مشارکت، گفت‌وگو و

تعامل اجتماعی توسط شخص رسول خدا به‌عنوان صفات ذاتی حضرت،

به ترقی و الاتری رسید.